

سخن سردبیر

جامعه‌شناسی تاریخی پزشکی به عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای، نقطه تلاقی علم تاریخ، جامعه‌شناسی علم پزشکی تلقی می‌شود. این رشته که در حقیقت، جامعه‌شناسی پزشکی جوامع پیشین براساس اسناد و گزارشات تاریخی به‌جای مانده است، از اعضای به نسبت جوان خانواده علوم اجتماعی و از شکوفه‌های این شجره تنومند شمرده می‌شود. این شاخه علمی، به‌رغم استعداد بالا و متولیان زیاد، احتمالاً به دلیل فقر منابع و مراجع تاریخی متناسب با دغدغه‌ها و انتظارات پژوهشگران علوم اجتماعی، به‌ویژه در خصوص جوامع کهن بشری، به توسعه درخور توجهی دست نیافته است.

پژوهش اجتماعی در مورد ساختار مسائل پزشکی در ایران از نظر پیشینه تاریخی بسیار جوان و به لحاظ محتوایی ساده‌انگارانه و ضعیف است. حال آن که در غرب، مهد پزشکی اجتماعی و جامعه‌شناسی پزشکی، با این که بیش از چند دهه از طرح جدی مقوله جامعه‌شناسی پزشکی نمی‌گذرد، تحقیقات در این حوزه با شتاب، دامنه و عمقی تصورناپذیر، در مقایسه با دیگر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی، گسترش یافته است. تحقیقات آشکارا بعد کاربردی داشته‌اند و نتایج بسیاری از پژوهش‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های نظام سلامت کشورهای مربوط اعمال و باعث بهبود و بهینگی ساختار خدمات سلامت و فضای فعالیت پزشکی شده است.

جامعه‌شناسی پزشکی که یکی از گرایش‌های نوین جامعه‌شناسی است به مطالعه رفتارهای فردی و گروهی حوزه سلامت می‌پردازد. این رشته نه تنها روی افراد شاغل در حوزه پزشکی یا رفتار آنها تمرکز دارد بلکه به واکنش‌های رفتاری

نسبت به سلامتی و بیماری نیز اهمیت می‌دهد. پرداختن به پاسخ‌های فردی و گروهی که هدف آن ارزیابی رفاه، حفظ سلامتی و اقداماتی است که بر مبنای بیماری واقعی یا فرضی صورت می‌گیرد، تأثیر متقابل بیماری و نظام مراقبت سلامت و به حداکثر رساندن سلامت در مواجهه با آشفتگی‌های فیزیولوژیک یا کارکردی از جمله موضوعات مورد مطالعه در جامعه‌شناسی پزشکی است. همچنین این رشته به تحلیل و بررسی اثرات روانشناختی ناشی از محیط زیست بر سلامت افراد می‌پردازد.

قبل از پیدایش جامعه‌شناسی پزشکی و ورود جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی به مباحث مربوط به سلامت و بیماری و بهداشت، از دوران قدیم، صاحب‌نظران از حوزه‌های مختلف، از قبیل مصلحان اجتماعی، سیاسیون، مورخان، رهبران دینی، اقتصاددانان و اداریون نیز مسائل اجتماعی سلامت و پزشکی را مورد بررسی قرار داده، راجع به آن اظهار نظر کرده و راه حل ارائه می‌دادند. به طور کلی ادبیات این مطالعات و بررسی‌ها را می‌توان به سه دوره دارای ترتیب تاریخی تقسیم کرد. در دوره اول که به قرن ۱۸ ختم می‌شود، این مطالعات و اظهار نظرها به عنوان مسائل عام اجتماعی- انسانی مطرح و بدون پوشش خاص حوزه تخصصی بودند. در دوره دوم این بررسی‌ها تحت پوشش حوزه‌های حفاظت پزشکی، بهداشت عام و به ویژه طب اجتماعی یا پزشکی اجتماعی قرار می‌گیرند و در دوره سوم، این تحقیقات و مطالعات خاص‌تر و مشخص‌تر شده و تحت عنوان جامعه‌شناسی پزشکی طبقه‌بندی می‌شوند.

در اواخر قرن بیستم بسیاری از نظریه‌پردازان چنین وانمود می‌کردند که یک جامعه‌شناسی پزشکی تبیینی و توصیفی، باید یک جامعه‌شناسی تاریخی باشد. جامعه‌شناسی تاریخی پزشکی در خلال دههٔ اخیر بر موضوعات عمده متعددی

متمرکز شده است. این جامعه‌شناسان به مطالعه نظام‌های پزشکی علاقه ویژه‌ای نشان داده‌اند و بیشتر با تأکید بر فرایند فعال به جای یک الگوی ایستا، به‌طور مستقیم تمایز میان تبیین‌های مبتنی بر ساخت و تبیین‌های مبتنی بر عاملیت را منظور نظر دارند. این موضوع در کانون اختلاف نظرهای موجود میان اکثر نظریه‌پردازان تاریخی پزشکی جای دارد و در نظم و آرایش بیشتر منابع تاریخی نقش محوری ایفا می‌کند. از این رو، می‌توان تصور کرد که حرفه تاریخ‌نگاری پزشکی از بینش‌های جامعه‌شناسی تاریخی استقبال کند. در حقیقت، این یک موضوع تازه و غیرمنتظره نیست. نگاهی اجمالی به فهرست نویسندگان و دست‌اندرکاران مجموعه‌های جامعه‌شناسی تاریخی پزشکی، دست‌کم کسانی که بر ملاحظات نظری و روش‌شناختی متمرکزند، نشان می‌دهد که آن‌ها مایل به همکاری در دپارتمان‌های جامعه‌شناسی هستند.

گاهی، ادبیات علوم اجتماعی، ادبیاتی «مأیوس‌کننده» است، چراکه تبیین‌های آن منطبق با اسناد و شواهد تاریخی نیست. این خصیصه را به عنوان یک مسأله ایدئولوژیک تفسیر کرده‌اند که از نظریه‌های برگرفته از مدل‌های فرضی تغییر در جوامع لیبرال-دموکراتیک یا سرمایه‌داری ناشی شده است. نظریه‌های مارکسیستی نیز همچون نظریه‌های ارائه شده از سوی غیر مارکسیست‌ها تا حدی مسأله‌زا هستند. مسأله نظریه‌های پزشکی را می‌توان به این جمع افزود. از این رو، جامعه‌شناسی تاریخی پزشکی مقایسه‌ای تنها باید در حوزه‌هایی صورت پذیرد که یک ادبیات تاریخی گسترده از قبل در آن وجود داشته باشد، چراکه بیشتر جامعه‌شناسان هیچ یک از مهارت‌های تاریخی پزشکی را که برای انجام یک فعالیت پژوهشی عمده ضرورت دارند، در اختیار ندارند.

نویسندگان جوان این شماره از مجله برآن بوده‌اند تا با ارائه مقالاتی در زمینه جامعه‌شناسی تاریخی پزشکی و بررسی آراء برخی اندیشمندان و فلاسفه این حوزه همچون میشل فوکو، رنه دکارت، جیمز مائونی و موريس مرلوپونتی در معرفی و توصیف آن، تصویری هر چند کلی از این شاخه به دست دهند. امید است انتشار این‌گونه آثار، بستر مناسبی برای گسترش مطالعات این حوزه در جامعه علمی ما فراهم سازد.

سردبیر